

99/10/1

# رویش تولید

نویسنده: سید رضا قریشی

موضوع: فلسفه

موضوع: تولید کردن

موضوع: تولید علم

موضوع: تولید تکنولوژی و اختراع

کپی برداری با ذکر منبع بلامانع است

## Contents

3.....	مقدمه
5.....	تولید کردن
21.....	در اصل فرد و افرادی که تولید می کنند، خودشان را هم تولید می کنند
23.....	تولید کننده، تولیدکننده ی افراد تابع و نابود کننده ی افراد عقب مانده ی ندارند ی تولید است
24.....	برتری تولید کردن ها، و از طرفی فرد و افرادی که تولید می کنند، افراد عقب مانده و تولید ندارند را هم تولید می کنند
25.....	کامل شدن فرد و افراد با تولید کردن های گوناگون و ضدیت با عقب ماندگان و ناقصانی که تولید کننده نیستند
28.....	نتیجه

### مقدمه

-در اصل در فرد چگونگی و چگونگی انتخاب تولید کردن های علم و تکنولوژی، چگونگی برتر در تولید کردن های برتر و قوی تر چگونگی علوم و تکنولوژی های غیراخلاقی و غیراخلاق ساز دیگران است.

تولید علوم و تکنولوژی های غیراخلاقی و غیراخلاق ساز، راهی برای تولیدات زیادت و برتر و قوی تر است.

در کل معمولاً اعمال و امور غیراخلاقی و ضد اخلاقی، مایل و خواهان و در پی زیادت کردن و برتر و قوی تر کردن های خود در اعمال و امور و مسائل دیگر (مثلاً در تولید علوم و تکنولوژی ها

و دلایل غیراخلاقی و ضد اخلاقی) می باشد، ولی اغلب و به انواع گوناگون، رعایت اخلاق در فرد و افراد و تولیدات علوم و تکنولوژی های آن ها، مایل و خواهان و در پی زیادت و برتر و قوی تر شدن نیست.

در اصل و به انواع گوناگون مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان و کم یا زیاد و آگاهانه یا ناخودآگاهانه، خواست و میل و نیروی اینکه فرد و افراد به زندگی و انجام امور و اعمال و مسائل خودشان مثلاً در تولید یا در موارد و امور و اعمال دیگر، ادامه دهند و در پی زندگی و امور برتر و قوی تر، همان خواست و میل و جهت و حرکت برای انجام اعمال و امور و زندگی ها غیراخلاقی و ضد اخلاقی است.

در اصل اغلب بدون انجام اعمال و امور و مسائل غیراخلاقی، زنده بودن و ادامه ی زنده بودن موجود نیست و موجود نمی گردد، که این موضوع در مورد زنده بودن و موجودیت و ادامه ی موجودیت تولید کردن های علوم و تکنولوژی ها و دلایل هم صدق می کند و موجود است و موجود می شود.

در اصل تولیدهای غیراخلاقی و غیراخلاق ساز، تولیداتی تولید شدنی و تولید بودنی در فرد و افراد تولید کننده و تولید کننده ی زندگی و زنده بودن و امور و اعمال خودشان است.

در فرد و افراد تولید کردن برتری تولید کردن خود است، اما چون اغلب چگونگی فرد در جهت و حرکت و میل ها و خواست های انجام اعمال غیراخلاقی است، آن گاه در اصل و به انواع گوناگون ولو غیرمستقیم و پنهان و ناخودآگاهانه و کم، این فرد و افراد مایل و خواهان و دارای حرکت و جهت برای تولید کردن های غیراخلاقی و ضد اخلاقی هستند، تا در اصل چگونگی فرد که به انواع گوناگون ولو غیرمستقیم و پنهان و ناخودآگاهانه در انجام دادن اعمال غیراخلاقی است، آن گاه طبق چگونگی برتر خودش، تولیدات غیراخلاقی و غیراخلاق ساز دیگران را داشته باشد و همین طور چگونگی غیراخلاقی فرد، چگونگی غیراخلاقی تولید کردن ها را انجام دهد و موجود باشد و عملی شود.

حتی اغلب و به انواع گوناگون ولو غیرمستقیم و پنهان و کم و ناخودآگاهانه، تولیداتی که در ظاهر اخلاقی نامیده می شود، در اصل و در واقع و به انواع گوناگون ولو غیرمستقیم و پنهان و کم و ناخودآگاهانه، در خدمت به تولیدات دیگر غیراخلاقی و غیراخلاق ساز است و به انواع گوناگون ولو غیرمستقیم و ناخودآگاهانه و پنهان و کم، به این جهت و حرکت و میل می روند و کشیده می شوند یا در طولانی مدت این طور می شوند.

حتی اگر در ظاهر برای مدتی و یا در برخی موارد و امور، بعضی از تولیدات، مثلاً تولیدات علوم و تکنولوژی ها اخلاقی به نظر برسند یا خیال شوند، در طولانی مدت و در موارد و امور و اعمال

دیگر، به انواع گوناگون در امور و اعمال و زندگی های غیراخلاقی و غیراخلاق ساز هستند و همین طور در خدمت امور و اعمال و مسائل و تولیدات غیراخلاقی و غیراخلاق ساز هستند و می شدند. در اصل و در واقع تولید کردن برتر و قوی تر است، آن گاه تولید کردن به انواع گوناگون در پی نابود کردن و ضدیت با برتر نبودن و پی نابود کردن تولید نشدن و همین طور به انواع گوناگون در پی نابود کردن افراد و کشورهایی که برتر نیستند و چندان تولید کننده نیستند و عقب مانده هستند می باشد، تا باز هم تولید کردن و تولید کردن برتر، با نابود کردن عقب ماندگی و حقارت و همین طور با نابود کردن عقب ماندگان و ضعیفان، به تولید کردن خود ادامه دهد و با این تمرین تقویت شود و خودش را تقویت کند.-----

## تولید کردن

تولید کننده و تولیدی که قدرتمند و برتر است، جلو ضعیف و کمتر شدن خود را، در اثر ورود تولید و افراد ضعیف و عقب مانده، که باعث عادی و معمولی شدن ضعف و عقب ماندگی می گردد را می گیرد و تولیدی برتر و قوی تر، خاص افراد و حکومت قدرتمند و برتر می گردد، زیرا با موجود بودن تولید در ضعیفان، آن گاه از غرور و خودخواهی تولید کردن قوی تر و برتر و خشن تر، به دلیل به حساب آوردن و به حساب آمدن تولید در افراد و کشور های ضعیف کاسته می گردد و تولیدی بی هنر و خاص حقیران و ضعیفان نالایق و بی هنر موجود می گردد و صورت می گیرد و به طور همگانی و اضافه ای موجود می گردد، چون تعلق به اضافیان هم قرار گرفته است.

تولیدی که توسط ضعیفان تولید گردد، در اصل در تولید بودن خود هم موجود نیست، چون تولیدهایی با چگونگی ضعیف و حقیر همچون چگونگی خود تولید کنندگانش موجود و گسترش می یابد.

تولید ضعیف و توسط افراد ضعیف، تولیدی در حد ضعف های انسان است، چون توسط افراد دارای ضعف هایی موجود گشت.

تولیدی که توسط قدرتمندان موجود می‌گردد، تولیدی باز هم تولید کننده تولید است، چون تولید به طور بهتر و بیشتر و قوی تر تولید می‌گردد، و این تولید تولید، تولیدی همراه با صاحب و مالک تولید بودن در خودش است، ولی در افراد و کشورهای ضعیف اگر تولیدی موجود گردد در حد تولیدی ضعیف است، به دلیل اینکه در اصل ضعیفان یعنی بردگان تعلق به خودشان و تولیدشان ندارند، آنگاه این نوع تولید صاحبی در بین افراد و کشورهای ضعیف ندارد، چون در اصل به طور مستقیم یا غیرمستقیم و به انواع مختلف، خود افراد و کشورهای ضعیف هم تعلق به خود ندارند و صاحب خودشان نیستند.

البته موجود و افراد و کشورهایایی که در اصل تعلق به خودشان ندارند، تولید آن ها هم تعلق به آن ها ندارد و صاحب آن نیستند، چون ضعیف تر از آن هستند که صاحب تولید باشند و صاحب بودن خود را برای خودشان تولید کنند و ادامه دهند.

در بین افراد کشورهای ضعیف تولید در تولید خودش مانده است و در اصل وجودی ندارد، زیرا نیرومندی خاص و لازم خود را برای موجودیت ندارد، زیرا در اصل اغلب به طور مستقیم یا غیرمستقیم، ضعیفان نیرومندی و برتری لازم برای موجودیت و موجود ماندن هم ندارند و لایق آن نیستند.

تولید قدرتمند توسط قدرتمندان صاحب قدرتمندی بیشتر و برتر و قوی تر و خشن تر از ضعیف، صاحب و سازنده و تقویت کننده خودش توسط خودش است و می‌شود، بنابراین تولید قدرتمند هم، بیشتر و برتر و قوی تر و خشن تر، تعلق به صاحب و سازنده و تقویت کننده خودش یعنی افراد و کشورهای قوی تر دارد و نه اینکه تعلق به کشورهای و افراد ضعیف و عقب مانده داشته باشد یا حتی موجود باشد و موجود شود.

تولید، تولیدی تولید کننده خود با و در قدرتمندی و قدرتمندتر و خشن برتر شدن است، آن گاه همانند چگونگی خود که در قدرتمندان است، در قدرتمندان و خشن های برتر تولیدی برای تولید شدن خود، در و توسط تولیدی قوی تر، با و توسط قوی ترانی است، که خاصیت توسعه و تولید تولید کردن خود و قدرت و برتری خود را دارند است.

تولید، تولید می‌گردد، تا جلو تولید نشدن یا کمتر تولید شدن خودش را بگیرد، همین طور و طبق چگونگی تولید، قدرتمندان و برتران با تولید، به طور قدرتمندتر و برتر تولید می‌گردند تا جلو کمتر شدن قدرت و برتری خودشان را بگیرند، ولی ضعیفان چون کمتر تولید می‌کنند، کمتر هم مثلاً در قدرتمندی و تولید، تولید می‌گردند و همین طور افزایش نمی‌یابند یا کمتر با کم کردن ضعف و حقارت های خود موجود و تولید می‌گردند و چندان بیشتر و قوی تر و خشن تر برتر تولید نمی‌گردند، یا به اندازه قدرتمندان تولید نمی‌گردند و خیلی کمتر از آن ها هستند و تولید دارند و تولید می‌گردند، آن گاه طبق چگونگی تولید در اصل چندان تولید و تولید شدن و تولید بودن قوی تر و همین طور خشن برتر شدن تعلق به ضعیفان و عقب ماندگان ندارد و نباید هم داشته باشد.

تولید شدن و تولید در افراد و فرد، تولیدات خود را، با تولید قوی تر و از قوی تر و برتر تولید می‌کند و نه اینکه تولید خود را از و با ضعیف تر و عقب مانده تر تولید و موجود کند و ادامه دهد و ادامه یابد، و این هم خاصیت تولید در فرد و افراد است.

تولید، تولید شدنی با تولید شدن از تولید کننده خودش، به دلیل اینکه قدرت و برتری خود را برای صاحب خود بودن و توانایی این را داشتن است، ولی در افراد ضعیف و عقب مانده که قدرت و توانایی صاحب خود بودن و ادامه ی آن را، با غلبه بر قدرتمندان و برتران و همین طور قوی تر و برتر کردن قوی تر و برتر شدن خود از آن ها را ندارند، آنگاه قدرت و توانایی ای برای تولید کردنی که، با غلبه بر تولیدات قدرتمندان صاحب آن گردند و آن را ادامه دهند را ندارند.

تولید غلبه شدن بر ضعف تولید نشدن است، ولی ضعیف توان و قدرتی برای از بین بردن ضعف های ضعیف نبودن و غلبه بر این ضعف ها را با اتکاء به خود ندارد، چون نژاد و چگونگی وی این طور است، آنگاه غلبه ای بر ضعف ها هم، برای اینکه با این غلبه کردن، تولیدی تولید شدنی انجام دهد و این تولید در خور نام تولید باشد هم ندارد و نمی تواند داشته باشد.

ضعیف، ضعیف تر از آن است، که ضعف هایی که مانع و سدی در برابر این که صاحب تولید گردد موجود است و اغلب هم در خودش و افراد ضعیف موجود است، را کنار زند و راه تولید کردن را بیابد و هموار کند و در جریان و جهت و حرکت تولید قرار بگیرد.

در اصل افراد و کشورهای ضعیفی که ضعیف تر از آن هستند، که حتی ضعف های خود را بدانند و قبول کنند و با آن مقابله کنند، ضعیف تر و حقیرتر و نالایق تر از آن هستند که تولیدی در و توسط خودشان داشته باشند.

در فرد و افراد، تولید حامی ضعیفان و عقب ماندگان نیست و نمی خواهد باشد، چون تولیدی در و توسط آن ها ندارد و نمی خواهد داشته باشد، آنگاه در خیلی موارد بر علیه و ضد و نابود کننده آنان هم می گردد و در این جهت قرار می گیرد و تا حد زیادی به طور مستقیم یا غیرمستقیم و کمتر یا بیشتر دارد.

در فرد و افراد، تولید، تولیدی با و توسط قدرتمندان و برتران است، چون اغلب به طور مستقیم یا غیرمستقیم، تولید، قدرتمند و برتر است و دارای برتری است، آن گاه در بین قدرتمندان و برتران هم تولید می گردد و طبق چگونگی قوی تر خود و افراد و کشورهای قوی تر بر علیه و ضد افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده است و می خواهد باشد و در این جهت است، زیرا به انواع گوناگون مستقیم یا غیرمستقیم و کمتر یا بیشتر، قوی و برتر (چه در فرد و چه در تولید) در اعماق خود این را دریافت می کند و در می یابد که، در پی و مایل و خواهان و در جهت ضدیت و نابود کردن و صدمه زدن به ضعیف (مثلاً افراد ضعیف و حقیرتر) است، حتی اگر این موضوع را فرد در خودش به طور آشکار دریافت نکند و بخواهد که خود را فریب دهد که این موضوع ضدیت و خواست نابود کردن ضعیف و حقیر، توسط و در قوی نیست، اما باز هم در امور و اعمال و مسائل و موضوعات گوناگون، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، این موضوع وجود دارد و در پی موجودیت و تقویت موجودیت و خودش است، حتی اغلب دلیل اینکه فرد می خواهد به انواع مختلف مستقیم یا غیرمستقیم، برتر و قوی تر باشد و در این جهت و راه قرار گیرد و تلاش کند، هم به دلیل همین موضوع و خواست و جهت و ضدیت و نابود کردن و ضعیف تر کردن افراد ضعیف و حقیر است، و این موضوع در اعماق چگونگی فرد هم، چه بخواهد و چه ظاهراً نخواهد موجود است و ادامه می یابد، حتی اغلب خواست و جهت و حرکت برای زنده ماندن و ادامه زندگی هم به همین دلیل است.

در فرد و افراد و در بین آن ها، تولید در پی تولیدات خود با تولید کردن ضدیت با تولید شدن و تولید بودن در بین و توسط ضعیفان و نژاد آن ها است، چون در اصل تولید به انواع گوناگون، دارای دریافت برتر و قوی تر بودن در خود و در فرد است، آنگاه برای تولید، این یک افت و حقارت و ننگ است که در بین ضعیفان و حقیران تولید گردد و موجود باشد، چون اغلب به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برتر و قوی تر خواهان بودن و موجود بودن در بین ضعیف و حقیر نیست.

در فرد و افراد و در بین آن ها، تولید، تولید شدنی برای ضعیفان و عقب ماندگان است، چون اینان را برای تولید شدن توسط آن ها قبول ندارد و در پی آن نیست، آن گاه در پی دفع و ضدیت و راندن این ضعیفان و عقب ماندگان است، تا وجود خود را از آلودگی آن ها پاک کند.

اغلب آشکار یا پنهان، تولید، تولیدی در تولید شدن با تولید کنندگان ضعیفان است، چون در فرد و افراد، خود تولید هم دارای همین خاصیت و چگونگی است و گرنه چندان موجود و تولید

نمی‌شد و خواهان و مایل و در جهت و حرکت تولید شدن و ادامه‌ی تولید یافتن و تولید بودن نبود و در فرد و افراد انگیزه آن وجود نداشت.

اگر حقیر و ضعیف و همین‌طور قوی‌تر و برتر و خشن‌تر نباشد، آن‌گاه اغلب تولیدی موجود نمی‌گردد، چون دیگر قوی و برتر، ضد و نابودکننده ضعیف و حقیر و خواست و جهت‌دار برای این موضوع و راه آن نیست تا آن‌گاه در پی تولید کردن و موجودیت تولید در خودش برود و اصلاً کلاً تولید موجود گردد و ادامه یابد.

همان‌طور که تولید دارای خاصیت قدرتمندتر کردن نسبت به قبل است، در پی این است که گروهی قدرتمند را نسبت به گروهی ضعیف، قدرتمندتر و برتر از قبل کند و این گروه قدرتمند بر ضعیفان و کمتر تولیدکنندگان غلبه کنند و قوی‌تر گردند.

اغلب در فرد و افراد، تولید، تولیدی با ضدیت با تولید نشدن است، یعنی طبق این چگونگی افراد و کشورهایی که تولید بیشتری دارند، چون دارا و صاحب تولید و از نوع آن هستند، ضدیتی با کشورهایی که چندان تولید ندارند و ضعیفند هستند، چون این موضوع، چگونگی تولید و تولید شدن و تولید بودن است.

در فرد و افراد و در بین آن‌ها، تولید، در پی و طرفدار تولیدکنندگان بیشتر و برتر خود است و نه آنانی که چندان تولیدی ندارند و ضعیفند، آنگاه قوی‌تران و برتران صاحب تولید هم طرفدار افراد و کشورهایی که تولید کمتری دارند نیستند و حتی اغلب بر ضد و نابودکننده آن‌ها هستند، چون چگونگی تولید در چگونگی فرد و انسان هم نهفته است و تا حد زیادی با همدیگر هستند، زیرا اغلب تولید از انسان رخ می‌دهد و موجود می‌گردد و همین‌طور انسان و فرد هم، از تولید از تولید، موجودتر و گسترش می‌یابد و قدرت زیادتری برای بودن و تولید شدن می‌یابد و دارد.

در فرد و افراد و در بین آن‌ها، تولید، تولیدی با تولید کردن قوی‌تر خود نسبت به قبل و حال است، قوی‌تر و برتر شدن در همین تولید و تولیدات دیگر، آن‌گاه در پی همین قدرتمندان حال و قدرتمندتر کردن آن‌ها و موجودیت در همین افراد و کشورهای قدرتمند و برتر می‌رود و می‌خواهد برود، تا خصوصیت و خاصیت و چگونگی خودش را بیشتر باز یابد و دریافت کند و با آن تولیدتر گردد و تولید کند.

افراد و کشورهای قدرتمند، قدرت تولید بودن قدرت و برتری خود را دارند، آن‌گاه طبق این چگونگی و خاصیت، قدرت موجود بودن و در اختیار گرفتن تولید بیشتر و قوی‌تر را نیز در خود دارند و طبق چگونگی تولید و چگونگی این که کشورها و افراد ضعیف و عقب‌مانده، قدرت تولید بودن در تولید و تولید کردن را ندارند، آن‌گاه به درستی اغلب قدرتمندان و تولید، دارای این خاصیت هستند که جلو موجودیت تولید را در افراد و کشورهای ضعیف و عقب‌مانده را بگیرند و می‌گیرند، تا قانون قدرت و تولید، بیشتر و قوی‌تر و برتر موجود و اجرا گردد و اجرا می‌گردد.

در فرد و افراد و در بین آن‌ها، تولید آن تولیدی است که خود را در قدرتمندان تولید می‌کند و می‌خواهد تولید بکند و در این جهت و حرکت است، چون خود را برای تولید قدرتمندتر و بیشتر خود می‌خواهد، که اغلب در و توسط کشورها و افراد قدرتمند صورت می‌گیرد و موجود می‌گردد و موجود است.

در فرد و افراد، قدرت، قدرت می‌خواهد و قدرت می‌یابد و ضعف خود را با نابودی و ضدیت با ضعف خود و همین‌طور نابود کردن و ضدیت با ضعیفان نابود می‌کند و از بین می‌برد و در پی آن است.

کلاً اغلب چگونگی تولید با چگونگی قدرتمندان و برتران جور در می آید و نه ضعیفان و عقب ماندگان.

در فرد و افراد، تولید، تولیدی تولید بودنی، در طرفداری از تولید بودن بیشتر است و نه تولید بودن کمتر، اما از طرفی تولید بیشتر در افراد و کشور های قوی و تولید کمتر در کشورها و افراد ضعیف و عقب مانده است، آن گاه نتیجه این که تولید و چگونگی و خاصیت آن در طرفداری و پرورش بیشتر کشورها و افراد قوی است و نه افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده، آنگاه باز هم به نوعی تولید در پی ضدیت و نابود کردن افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده و تولید نشدن در بین آن ها است، آنگاه افراد و کشورهای قوی تر و برتر نیز این طور هستند و این طور می گردند.

بیشتر و برتر بودن تولید در کشور و افراد، نشانی از آن است که آن افراد و کشور، خودشان هم خودشان را تولید می کنند و اغلب تولید قدرتمندی و برتری خود را هم، خودشان تولید می کنند و در پی آن هستند.

در فرد و افراد، تولید، تولیدات خود را با تولید تولید خود و افراد و کشورهای قدرتمند و برتر تولید می کند، آن گاه تولیدات خود را برای طرفداری و ضدیت نداشتن با افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده تولید نمی کند و در پی و جهت این نیست، بلکه حتی گاهی در فرد و افراد، تولید، تولیدات خود را ضدّ افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده تولید می کند و در پی آن است، این موضوع درباره ی افراد و کشورهای قوی تر و برتر که دارای تولید بیشتر و قوی تر و خشن برتر هم هستند موجود است و موجود می گردد.

در فرد و افراد، به انواع مختلف، تولید، تولید کننده خود را قوی تر و خشن تر می کند، چون از تولید کننده سرزده است، و به انواع مختلف، تولید کننده هم، در پی قدرتمندی و برتری بود، تا تولیدات خود را تولید کند، بنابراین تولید و چیزهای تولید شده از جنس قوی تر و خشن تر برتر کننده بود، که به انواع گوناگون مستقیم یا غیرمستقیم و کمتر یا بیشتر، تولید کننده برای قوی تر و خشن برتر کردن خود، در پی تولید این تولیدات بود و رفت.

تولید خودش تولید شده از عامل و فرد و کشور تولید کننده ای است، که اغلب این عامل با طریقه های مختلف، در پی قوی تر و خشن برتر کردن و خشن برتر بودن خود است، بنابراین این تولید و تولیدات هم دارای چگونگی و خاصیت قدرتمندی و خشونت رانی برتر، به انواع مختلف مستقیم یا غیرمستقیم است، که از همین جنس و چگونگی در فرد تولید و موجود شد، آن گاه بنابراین افراد و کشورهای تولید کننده هم همین طور هستند و باز هم با تولیدات بیشتر این طور می گردند، اما از طرفی چون تولید، تولید می گردد، خشونت رانی برتر و قوی تر بر علیه ضعیفان و کشورهایی که چندان تولید ندارند و عقب مانده هستند نیز تولید می گردد، تا آنگاه تولید و کشورها و افراد تولید کننده، بر علیه ضعف و ضعیفی خود در موجود نبودن تولید شوند، آن گاه نمونه ای از این ضدیت و خشونت رانی بر علیه ضعف و ضعیف بودن خود در نداشتن یا کم بودن تولید، همان ضدیت و خشونت رانی بر علیه افراد و کشورهای ضعیف که تولید چندان ندارند است، است، تا آن گاه تولید و تولید شدن، بر علیه تولید نشدن و نبودن تولید گردد، تا باز هم با موجودیت این ضدیت، تولید و تولید شدن، ادامه یابد و افزونی بگیرد، چون یکی از راه های ضدیت و خشونت رانی افراد و کشورهای صاحب تولید، بر علیه نابود نشدن و ادامه یافتن و افزون تر شدن تولید و تولید کردن توسط و در خود، همان ضدیت با موجود نبودن تولید، در کشورها و افرادی که چندان تولید کننده نیستند است، چون باز هم به نوعی تولید کردن و تولید شدن، بر علیه تولید نکردن و تولید نشدن و تولید نبودن شد، تا تولید کردن و تولید شدن، بیشتر از قبل گردد و ادامه یابد.

به انواعی نمونه ای از ضدیت با نبودن تولید، ضدیت با افراد و کشورهای که چندان تولید ندارند است، تا باز هم به این طریق ضدیت و خشونت رانی برتر بر علیه نبودن و یا کم شدن تولید صورت گیرد.

کشورها و افراد قوی تری که صاحب تولید علم و تکنولوژی و تولید کننده هستند، تولیداتی در زمینه نابود کردن نابود شدن و نابود کردن زیان و نابود کردن خشونت نراندن خود، با نابود کردن افراد و کشورهای مصرفی که صاحب تولید نیستند هم دارند، چون این نوع تولیدات، تولیداتی تولید شده از تولیدهای دیگر هم هستند، که برای حفظ و ادامه برتر و بیشتر خود تولیدات دیگر و یا در کل حفظ و ادامه ی کلیه ی تولید شدن ها می باشند، چون تولید و تولید کنندگان به انواع مختلف در پی تولید کردن های مختلف، برای حفظ و افزون شدن و نابود نشدن خود هم هستند و در کل طبق این چگونگی و خاصیت، موجود هستند و موجود می گردند، تا نابود و یا ضعیف یا کم نگردند.

همان طور که اغلب فرد به انواع گوناگون مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان و کمتر یا بیشتر، در پی حفظ و نابود نشدن و قدرتمند و برتر شدن و قدرتمند و برتر بودن خود و ادامه ی آن است، در فرد و افراد و کشورهای قوی تولید و یا علوم و تکنولوژی های تولید شده هم، به انواع گوناگون، به خصوص با خشونت رانی برتر و قوی تر مستقیم یا غیرمستقیم، در پی نابود نشدن و ادامه یافتن و افزونی و برتری خود است و می گردد، آنگاه تولید و تولیدات، تولید و تولیداتی را هم برای افزون شدن و ادامه یافتن و نابود نشدن خود تولید می کنند و باعث و موجود کننده، این تولیدات اغلب خشن تر و برتر، برای محافظت و ادامه ی افزون تر تولید شدن خود هم هستند، و اغلب این موضوع به طور خود به خود با موجودیت تولید موجود می گردد و موجود است.

تولید، تولیدی برای تولید عوامل از بین برنده تولید نشدن هم هست و فرد و کشور تولید کننده و صاحب تولید هم این موضوعات را در خود تولید می کنند.

اغلب تولید و افراد و کشورهای صاحب آن، به انواع گوناگون مستقیم یا غیرمستقیم، خودش و خودشان، خودش و خودشان را حفظ می کند و از نابودی نجات می دهند و در پی این هستند.

در اصل فرد و کشور صاحب تولید، به انواعی با تولید کردن تولید، خودشان را تولید می کنند، تا به نوعی هیچ و مرده و بی وجود، در ادامه نیافتن و ادامه ندادن تولید شدن اصلی خود نباشند.

تولید، خود با تولید تولید کننده خود در و توسط خود موجود می گردد و صورت می گیرد، ولی در این نوع تولید علم و تکنولوژی، تولید کننده خودش را تولید کننده خودش، با تولید و صاحب تولید بودن، در نظر می گیرد، و این موضوع دانسته یا ندانسته و خواسته یا ناخواسته، به طور آشکار یا پنهان و مستقیم یا غیرمستقیم و کمتر یا بیشتر، در فرد و افراد تولید کننده موجود است، چون تولید، تولیدی، تولید شده از تولید کنندگی تولید خود، در تولید بودن است، و فرد و افراد تولید کننده هم تولیدی تولید شده توسط تولیدات خود، که این تولیدات را خودشان تولید کردند می باشند.

آنچه در فرد و افراد تولید و تکنولوژی را موجود می کند، همان چیزی است که در پی نابود کردن مردم و کشورهایایی که چندان تولید ندارند و عقب مانده هستند می باشد، زیرا در چگونگی تولید، ضدیت و نابود کردن آن چیزی که تولید کننده و موجود کننده تولید نیست صورت می گیرد، تا بعد آنگاه با از میان و کنار رفتن عوامل چیزهایی که مخصوص و عامل تولید نیستند و وجودی اضافه برای موجود شدن و موجود بودن تولید دارند، چون عامل تولید و تولید کننده نیستند، آن گاه یک موضوع مثلاً در علم و تکنولوژی تولید می گردد، بنابراین خود تولید کنار زننده و نابود کننده چیزها و موضوعات و اعمال و از طرف دیگر و به نوعی مردم و افراد و کشورهایایی که تولید ندارند و نمی توانند داشته باشند و در جهت و حرکت و عامل تولید نیستند، می باشد، تا تولید کردن و تولید شدن موجود باشد و موجود گردد و تقویت شود، بنابراین باز هم این جزو چگونگی تولید و افراد و

کشورهایی که تولید کننده هستند است، که مردم و افراد و کشورها که چندان تولید کننده نیستند و عقب مانده اند، را کنار زنند و به طریق های مختلف مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان، به نابودی کشانند، وگرنه در اصل اگر این موضوع و چگونگی نبود اغلب تولید موجود نبود و موجود نمی شد و موجود نمی شود، چون با این ضدیت نداشتن و نابود نکردن مردم و کشورهایی که چندان تولید ندارند، در اصل یکی از چگونگی های اصلی تولید و تولید کردن و تولید شدن از بین می رفت و کنار گذاشته می شد، آنگاه وقتی این چگونگی نباشد، اصلاً تولید کردن و تولید شدن، صورت نمی گرفت و موجود نبود و موجود نمی شد، چون وقتی یکی از چگونگی های اصلی خیلی از موضوعات و اعمال و مسائل کنار رود یا از کار بیفتد، آن گاه اغلب آن موضوع یا عمل یا مسئله کنار و از بین می رفت و موجود بود و موجود نمی شد و صورت نمی گرفت، چون اغلب، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، این چگونگی های اعمال و مسائل و موضوعات (مثلاً در مورد تولید هم همین طور است)، است که آن موضوع و عمل و مسئله را موجود می کند یا موجود می گردد (این موارد در مورد فرد و افراد و کشورهای تولید کننده علم و تکنولوژی هم موجود است و صورت می گیرد، چون دارای چگونگی تولید کنندگی هستند و آنگاه چگونگی های تولید هم به نوعی آشکار یا پنهان و مستقیم یا غیرمستقیم، در اینان موجود است.

در فرد و افراد، تولید به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم، در پی تولید کردن یا تولید بودن ضدیت یا آنچه به طور مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان، ضدیت و ستیز با ضعیفان را از بین می برد یا کنار می گذارد است، تا به نوعی به جای ضد قدرتمندان و صاحبان تولید شدن (یعنی بجای اینکه ضد خودش که دارای قدرتمندی و برتری و خشونت برتر است، زیرا تولید قدرتمندتر و خشن تر برتر از تولید نکردن و تولید نبودن است و تولید نکردن و تولید نداشتن ضعف و ضعیفی است)، ضد ضعیفان و آن افراد و کشورهایی که تولید ندارند و عقب مانده هستند گردد، چون به جای ضدیت و نابود کردن خودش، که قوی است، ضد وجود نداشتن خودش، یعنی ضد وجود نداشتن تولید، که ضعیف و ضعف و حقارت است گردد و باشد، تا هم موجود باشد و هم به طور تقویت شده تر و بیشتر ادامه بیابد.

اغلب به طور کم یا زیاد موجودات و افراد، ضد و نابود کننده خودشان و ضد و نابود کننده مشابه خودشان نمی گردند، یا اغلب نمی خواهند ضد خود باشند، بلکه بیشتر در پی این هستند که ضد و نابود کننده آن افراد و امور و چیزها و اعمالی که متفاوت با آن ها و متفاوت با چگونگی آن ها می باشند گردند و باشند، تا خود و اعمال و چیزها و افرادی که تا حدی نزدیک به آن ها از لحاظ تشابه هستند را تقویت کنند (چون حتی اگر افراد نزدیک به خود را هم تقویت کنند در اصل به نوعی خودشان و چگونگی خودشان را تقویت کرده اند) و ضدیت و نابود کردن چیزها و اعمال و امور و افرادی که متفاوت با آن ها هستند را انجام دهند (تا در اصل با این نابود کردن و ضدیت با متفاوت با خود، ضد و نابود کننده آن چیزها و اعمال و اموری که نابود یا ضعیف کننده خودشان است شوند و باشند)، آن گاه افراد و کشورهای دارای تولید و همین طور تولیدهایی که در فرد و افراد و کشورها است، ضد و نابود کننده افراد و کشورهایی که چندان تولید ندارند و عقب مانده هستند می باشند و در پی این هستند و تقویت می گردد و تقویت می گردند.

آن افراد و فرد و کشوری که، در اصل خود و چگونگی خودش را با تولید کردن و تولید داشتن می سازد، در اصل در و با خودش موجود است و در و با خودش، خود و علم و تکنولوژی را تولید می کند.

در اصل و به نوعی افراد و کشورهای عقب مانده ای که تولید کننده علم و تکنولوژی نیستند، به نوعی توسط افراد و کشورهایی که دارای تولید علم و تکنولوژی زیادی هستند تولید و موجود می گردند، چون در اصل و به نوعی چگونگی های مختلف افراد و کشورهایی که چندان تولید کننده نیستند، توسط خودشان موجود و تولید نمی گردد، چون دارای تولید علم و تکنولوژی چندان نیستند، بلکه توسط افراد و کشورهای قوی که تولید کننده علم و تکنولوژی هستند تولید و موجود می گردد، یا

از آن‌ها تقلب می‌کنند و علم و تکنولوژی را از آن‌ها می‌آموزند، بنابراین صاحب افراد و کشورهایی که چندان تولید کننده ی علم و تکنولوژی نیستند، خودشان نیستند، بلکه کشورها و افرادی قوی که تولید کننده علم و تکنولوژی هستند می‌باشند، و به انواعی توسط افراد و کشورهایی که دارای تولید علم و تکنولوژی هستند تولید می‌گردند و تولید شده هستند.

تا حدی و به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم، چگونگی فرد و افراد و کشورها، همانند یا گاهی و به انواعی مستقیم یا غیرمستقیم، همان چگونگی تولید و موجودیت علم و قوانین علمی و تکنولوژی‌های موجود است و همین‌طور به انواعی چگونگی قوانین و فرمول‌های علمی و تکنولوژی‌ها، در افراد و فرد و کشورها موجود است، بنابراین افراد و فرد و کشورهایی که تولید علم و تکنولوژی دارند، در اصل و به نوعی، خودشان را تولید و موجود می‌کنند و تولید و موجود هستند، اما افراد و فرد و کشورهایی که چندان دارای تولید علم و تکنولوژی نیستند، تولید و موجودکننده و همین‌طور موجود بودند توسط خودشان نیستند، بلکه توسط افراد و فرد و کشورهایی که تولید علم و تکنولوژی دارند، تولید و موجود می‌گردند و تولید و موجود هستند.

تولید کردن و صاحب آن بودن در افراد و کشورهای تولید کننده ی علم و تکنولوژی، طوری است که به انواع مختلف، این تولید کردن و داشتن تولید، ضدیت و جهت برای نابود کردن ضعیفان و کشورهای عقب مانده ای که چندان دارای تولید نیستند را در خود دارد و در پی تقویت آن می‌رود، و این هم خاصیت و چگونگی ای از تولید کردن و تولید داشتن و تولید است.

در فرد و افراد و کشورهای، تولید، تولیدی با و در ضدیت با افراد و کشورهای ضعیف که از تولید کردن عقب مانده اند نیز تولید می‌کند.

چیزهایی وجود دارند که ضد تولید نشدن هستند، و از جمله این چیزها، تولیدی و پیشرفته نکردن کشورهای عقب مانده توسط کشورهای قوی و صاحب تولید در خودشان هستند، زیرا کشورها و افرادی که دارای شایستگی تولید کردن علم و تکنولوژی نیستند خودشان، خودشان را با نداشتن تولید که طبق چگونگی اینان است و چندان توانایی تولید کردن را ندارند، تولید نکردند و تولید نمی‌کنند، بلکه اغلب به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم، توسط افراد و کشورهای صاحب تولید، تولید می‌گردند و صاحب اینان افراد و کشورهای قدرتمند دارای تولید و تولید کردن است، و اغلب خاصیت این افراد و کشورهای عقب مانده که چندان تولید کننده علم و تکنولوژی توسط خودشان نیستند این است که به تصاحب افراد و کشورهای قوی و صاحب تولید در بیایند و به کار گرفته گردند، چون به انواعی مستقیم یا غیرمستقیم، صاحب این افراد و کشورهایی که چندان تولید کننده نیستند، افراد و کشورهای قوی و تولید کننده ای است که به انواعی مستقیم یا غیرمستقیم، این افراد و کشورهای ضعیف برای به کارگیری و تصاحب و چپاول آن‌ها، به انواع مختلف آشکار یا پنهان و مستقیم یا غیرمستقیم، تولید می‌کنند، چون به انواعی مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان و کمتر یا بهتر، تولید و تولید کردن و محصولات تولید و تولید کردن، چگونگی و زندگی و اعمال و رفتارها و افکار و سخنان افراد و کشورهایی که از محصولات تولید شده کمتر یا بیشتر استفاده می‌کنند و در پی این استفاده هستند را می‌سازد و تعیین می‌کنند، یعنی به انواعی کمتر یا بیشتر، تولید و افراد و کشورهایی که تولید کننده و قدرتمند هستند، تولید ساختن و فرمان دادن و همین‌طور تولید چگونگی وجودی و زندگی افراد و کشورهایی که چندان تولید ندارند و عقب مانده هستند و کمتر یا بیشتر، مصرف کننده هستند را می‌سازد و تعیین می‌کند، پس آنگاه که افراد و کشورهای عقب مانده و ضعیف، طبق خواست و دستور و تعیین کنندگی محصولات تولید، مثلاً در علم و تکنولوژی ساخته و موجود می‌گردند، بنابراین در اصل صاحب و تولید کننده و بوجود آورنده و اختیاردار این افراد و کشورهای عقب مانده و ضعیف، که چندان از و توسط خودشان تولید کردن و تولید را ندارند، همان افراد و کشورهای صاحب تولید و تولید کننده، مثلاً تولید کننده ی علم و تکنولوژی هستند، آن‌گاه لازم و درست هم این است که افراد و کشورهای عقب مانده که چندان تولید ندارند، همانند بردگانی در اختیار و به کارگیری و استفاده

توسط افراد و کشورهای که دارا و صاحب تولید کردن هستند قرار گیرند، نه این که این افراد و کشورهای عقب مانده توسط افراد و کشورهای صاحب تولید، تولید کننده گردند، چون آن گاه اگر برده هایی که دارای چگونگی و خاصیت برده بودن و به کار گرفته شدن هستند، بخواهد در مقام یا نقش صاحب بودن در آیند، آن گاه طبق چگونگی پایین تر خود، تولید کنندگی و تولید را در جهت چگونگی برده بودن و بردگی می کشانند، یعنی چون این افراد و کشورهای ضعیف دارای چگونگی برده بودن و ضعف و ناتوانی هستند، چگونگی و خاصیت تولید و تولید کردن، مثلاً در علم و تکنولوژی، را به صورت محصولات دارای چگونگی برده بودن و ضعیف و حقیر در می آورند و می کشانند، چون اینان همانند بیماری مسری ای خاصیت و چگونگی بردگی و ضعیفی و ضعف و حقارت خود را، با تا حدی مترقی شدن، به افراد و کشورهایایی که صاحب اصلی تولید و تولید کردن هستند و همین طور محصولات و حاصل تولید کردن و تولید شدن (مثلاً در علم و تکنولوژی)، سرایت می دهند و می کشاند.

اما از طرفی وقتی با پیشرفت کشورها و افراد ضعیف، تولید و تولید کردن و محصولات و حاصل تولید (مثلاً در علم و تکنولوژی) چگونگی و خاصیت ضعیف و ضعف دار و حقیر و برده گانه بگیرد، آن گاه بعد از مدتی افراد و کشورهای قدرتمند و صاحب تولید کردن و تولید، هم دارای چگونگی ضعف و ضعیفی و بردگی می گیرند و آن گاه انسان ضعیف و برده و حقیر و ضعف دارتر و ناقص تر می گردد.

از چگونگی ضعیف و تولید کننده نبودن، ضعیف و ضعف و تولید کننده نبودن و همین طور نابود شدن تولید و نابود شدن تولید کنندگی بر می خیزد و موجود می گردد.

مثلاً اگر کشورها و افراد عقب مانده توسط افراد و کشورهای صاحب تولید، تا حدی تولیدی مثلاً در تکنولوژی گردند، که اما در اصل این موضوع پیشرفته شدن کشورها و افراد عقب مانده، به صورت تقلب و یادگیری تکنولوژی و علم است و نه تولید کردن علم و تکنولوژی، آن گاه باز هم چون چگونگی افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده، که چندان تولید کننده نیستند، همان ضعف و ضعیفی و نداشتن توانایی و قدرت تولید کردن (مثلاً علم و تکنولوژی) است، آنگاه با مترقی شدن تا حد زیادی همانند خودشان (یعنی طبق این موضوع که از ضعیف و ضعف، ضعیفی و ضعف و عقب ماندگی بر می خیزد و گسترش می یابد) آنگاه کلاً تولید و تولید کردن و تولید شدن را کمتر و ضعیف تر می کنند و تا حد زیادی به نابودی و کمتر شدن تولید و تولید کردن، حتی در بین افراد و کشورهای قدرتمند و پیشرفته می کشانند، زیرا مثلاً در بین افراد و کشورهای قدرتمند و صاحب تولید کردن به دلیل عادی شدن و تا حدی بد به حساب نیامدن افراد و اعمال و امور و مسائل ضعیف و حقیر، دیگر چندان خواست و جهت و حرکتی برای تولید کردن و موجود بودن قوی تر تولید و تولید کردن نمی ماند، چون با مترقی کردن افراد و کشورهای عقب مانده، ضدیت و خواست نابود کردن آن ها توسط افراد و کشورهای قوی و مترقی، به دلیل این که این کشورها و افراد ضعیف را مترقی کردند یا مترقی شدند و افراد و کشورهای قوی با آن ها کمک کردند و مانع ترقی آن ها نشدند کمتر می گردد، و آن گاه با این کمتر شدن ضدیت و خواست نابود کردن افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده، آن گاه دیگر ضعیف و نابود کردن عوامل و مسائل و اموری که مانع تولید و تولید کردن هستند، چندان از طرف افراد و کشورهای قوی موجود نمی گردد و موجود نیست و آن گاه تولید و تولید کردن مثلاً در علم و تکنولوژی کمتر و ضعیف و حقیر می گردد، چون با ضدیت نداشتن با افراد و کشورهایایی که صاحب تولید و تولید کردن نیستند، ضدیت با تولید کننده بودن و داشتن تولید در خود هم کمتر و ضعیف می گردد، آن گاه در کل تولید کردن و تولید شدن مثلاً در علم و تکنولوژی کمتر و ضعیف و حقیر می گردد.

ترقی کشورهای عقب مانده، تقویت و زیاد شدن عقب مانده بودن و عقب مانده ماندن است، زیرا دیگر با مترقی شدن افراد و کشورهای عقب مانده که چندان تولید کننده نیستند، آنگاه چندان عقب

ماندگی بد و نادرست و مزاحم و حقیر و ضعیف و نابود کننده و ضعف به حساب نمی آید و نادرست و حقیر بودن عقب ماندگی و تولید نداشتن کمتر می گردد، چون اغلب نژاد افراد و کشورهای عقب مانده، که چندان تولید کننده و صاحب تولید نیستند، این طور است که طبق نژاد و چگونگی جسمی و فکری خود، دارای توانایی تولید کردن، مثلاً در علم و تکنولوژی را ندارند، و این نژاد و چگونگی جسمی اینان، با افراد و کشورهای صاحب و دارای تولید کردن متفاوت است، بنابراین اغلب اگر نژاد عقب مانده و ضعیف که چندان دارای چگونگی تولید کردن مثلاً با اختراع های اساسی و پایه ای یا حتی معمولی یا تولید علم و فرمول ها و قوانین علمی نیستند ترقی کنند، این ترقی به دلیل تقلب و یادگیری مثلاً علوم یا تکنولوژی است و نه تولید کردن مثلاً تولید کردن در علم و تکنولوژی، اما در اصل صاحب اصلی ترقی و ترقی کردن و قوی و برتر شدن، نژاد افراد و کشورهای صاحب و دارای تولید کردن و تولید، مثلاً در علم و تکنولوژی است و نه آن افراد و کشورهایایی که تولید کننده نیستند و در پی این هستند که با تقلب و دزدی و استفاده از افراد و کشورهای تولید کننده و تولید دارنده خودشان را مترقی کنند.

اغلب در فرد و افراد، تولید، تولیدی، بی تولید امور و مسائلی که تولید را تقویت و افزون می کند نیست، برای همین اغلب به طور خودبخودی، به انواع مختلف مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان، افراد و کشورهای تولید کننده و همین طور چگونگی تولید برضد و نابود کننده ی افراد و کشورهای ضعیف که صاحب و دارنده ی تولید کردن توسط خودشان نیستند می باشد و این جهت و حرکت برای موجود بودن و موجود شدن تولید بیشتر و تقویت شده تر و برتر موجود است و موجود می گردد، و این موضوع به طور خودبخودی هم توسط تولید و افراد و کشورهای تولید کننده، به طور مستقیم یا غیرمستقیم موجود است و موجود می گردد، و این چگونگی و خاصیت تولید و افزون بودن و تقویت شدن تولید و تولید کردن است.

در فرد و افراد، به انواعی، تولید تولید کردن انسان هم هست، چون گاهی تولیدات همانندی ای با انسان و موجودات زنده هم دارند، آن گاه تولید و تولید کننده، صاحب این تولید شده های خود می گردد، اما از طرفی با موجود بودن و موجود شدن این موضوع که افراد و فرد و کشورهای دارای تولید کردن، به انواعی پنهان و عمیق و باطنی، صاحب تولید کردن و تولید کننده انسان نیز هستند، آن گاه صاحب افراد و انسان ها و کشورهای عقب مانده و ضعیف، که تولید کننده نیستند هم می باشند، چون اغلب در فرد و افراد، تولید که این تولید به انواعی چیزها و اموری مانند انسان را تولید می کنند، که به هر حال تاکنون این تولیدات ضعیف تر و کمتر از چگونگی انسان هستند، هر چند تا حدی نزدیک و همانند انسان هستند، بنابراین فرد و افراد و کشورهای قوی و تولید کننده و صاحب تولید، به انواعی صاحب افراد و کشورهای عقب مانده و ضعیف و حقیرتر هستند، زیرا از طرفی صاحب تولید کردن و تولیداتی بودند، که به انواعی نزدیک و همانند انسان ولی ولو تا حدی ضعیف و ناقص تر و حقیرتر از آن بودند، پس صاحب انسان ها و افرادی که ضعیف تر و حقیرتر و عقب مانده تر، نسبت به انسان ها و فرد و افراد مترقی تولید کننده می باشند نیز هستند و آنان را در اختیار و قدرت رانی خود می گیرند.

در اصل و به انواعی تولیدی که تولید می گردد با ضدیت و جهت و حرکت برای نابود کردن ضعیفان و افرادی که چندان تولید کننده نیستند توسط قدرتمندان و کشورهایایی که دارای تولید کردن و تولید هستند، با تولید کردن این موضوع در و توسط خود تولید می گردد و ادامه می یابد و ادامه دارد، تا تولید و تولیدات خود را قوی تر و برتر کند، چون وقتی برتری و قدرتمندی، افراد و کشورهای تولید کننده با نابود کردن و به حقارت کشیدن و گرفتن افراد و کشورهای عقب مانده که چندان صاحب تولید نیستند و تولید ندارند صورت گرفت، و آن گاه کشورها و افراد قوی تر و دارای تولید و تولیدات برتر و قوی تر می گردند، آن گاه تولید و تولید کردن و تولید شدن هم، به همین

ترتیب و مانند این موضوع برتر و قدرتمندانه می‌گردد و برتر و قدرتمندانه نامیده می‌گردد، چون حاصل و همین‌طور موجود و تولیدکننده‌ی برتری و برتر و قوی‌تر بودن بود و است.

گاهی جنبه‌هایی از چگونگی خود وقتی درک و فهمیده می‌گردد، که چگونگی تولید درک و فهمیده گردد، بنابراین گاهی دانستن و فهمیدن چگونگی‌هایی از تولید و تولید کردن (مثلاً در علم و تکنولوژی) راه میانبر و مستقیمی برای دانستن و درک چگونگی خود و توسعه و تقویت و برآوردن آن است.

در فرد و افراد، تولید کردن، مثلاً در علم و تکنولوژی و نظر، تولیدی برای نابود کردن نبودن تولید کردن، یا نابود کردن و ضدیت با تولید نشدن و تولید نبودن آن موضوعات، در خود یا کشور قوی‌تر و صاحب تولید کردن است، آن‌گاه باز هم می‌توان گفت به نوعی این موضوع و گفته دارای این چگونگی هم هست، که فرد و افراد و کشورهای عقب‌مانده که در آن‌ها تولید کردن نیست، یعنی نبودن تولید کردن در آن‌ها هست، باید توسط افراد و فرد و کشورهای صاحب تولید کردن با ضدیت و خواست و جهت و حرکتی با ضدیتی به نابودی کشیده گردند، چون این موضوع هم به نوعی همان موضوع قبل که گفته شده است، یعنی لازم است تولید کردن یا تولیدکننده، تولیدی برای نابود کردن نبودن تولید کردن، یا فرد و افراد و کشورهای عقب‌مانده که نبودن تولید کردن در اینان است و تولید کردنی ندارند و تولید شدن هم در اینان چندان وجود ندارند صورت گیرد و موجود باشد، و تا حدی هم، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان، موجود است و لازم است باشد، تا راه برتر تولید کردن برتران و خشونت‌رانان برتر و قوی‌تر موجود باشد و موجود است.

تولید کردن، تولید کردن نابود کردن تولید نکردن و تولید نشدن و نابود کردن تولید نکردن افراد و کشورهای تولیدکننده و تولید نداشته هم است و در خود دارد و تولید می‌کند.

نابود کردن تولید نبودن و نابود کردن تولید نشدن و افراش، تولید کردن را موجود کردنی و موجود شدنی، با تقویت و افزونی و موجود شدن و موجود بودن می‌کند، زیرا نابود کردن تولید نکردن و نابود کردن تولید نبودن و نابود کردن تولید شدن، تولید کردن و تولید بودن و تولید شدن، و موجودیت تولید کردن است.

کامل‌تر شدن تولید کردن و صاحبان تولید، با نابودی افراد و کشورهای عقب‌مانده که تولیدکننده‌ی چندانی نسبت به قدرتمندان نیستند، به دلیل این است که نابود کردن عقب‌ماندگان، نابودی عقب‌ماندن خود و افراد صاحب تولید در عادی و معمولی شدن عقب‌ماندگی و تولید چندان نداشتن است، چون نادرستی و حقارت وجود عقب‌ماندگی و ضعف و نقض، در فرد و افراد و کشورهای صاحب تولید کردن، با موجودیت افراد و کشورهای عقب‌مانده و نابود نکردن این‌تنگ‌ها و بعد عادی و معمولی شدن این ضعف‌ها و نقص‌ها، از بین می‌رود و کم می‌گردد، یعنی کم شدن حقارت و نادرستی و نقص عقب‌ماندگی و تولید نداشتن، آن‌گاه عقب‌ماندگی و ناقصی و ضعف در بین افراد و فرد و کشورهای صاحب تولید کردن عادی و گسترش می‌یابد و انسان را از تکامل و جهت و حرکت به سوی کامل کردن خود با افزودن و تقویت تولید کردن برتر و بیشتر و خشن از انواع برتر، باز نمی‌دارد و ضعیف می‌کند، که در این صورت این موضوع نابود نکردن افراد و کشورهای عقب‌مانده، در افراد و فرد و کشورهای صاحب تولید کردن، نوعی ضعف و نقص به حساب می‌آید و باعث ضعف و نقص اینان هم می‌گردد.

نابود کردن و ضدیت با افراد و کشورهای ضعیف، نابود کردن نابود بودنی‌ها و همین‌طور نابود کردن نابود بودنی بودن خود به دلیل ضعف، در تولید کردن است، آنگاه با این نابود کردن ضعیفان و آن‌گاه بعد نابود کردن نابود بودنی بودن خود، کامل‌تر شدن بیشتر در تولید کردن و قدرتمندی و برتری بیشتر از قبل شکل می‌گیرد و در این جهت و حرکت قرار می‌گیرد.

نابود کردن و ضدیت با افراد و کشورهای عقب مانده، آن امور و چیزهایی که برای تولید کردن قوی تر و برتر، شجاعت و خشونت رانی برتر لازم دارد، را با تمرین قبلی خشونت رانی و شجاعت نابود کردن و ضدیت با افراد و کشورهای ضعیف قوی تر و کامل تر می کند، آن گاه تولید کردن و افراد و کشورهای صاحب تولید کردن، کامل تر از قبل برای تولیدات لازم که برای کاملتر شدن مستقیم یا غیرمستقیم، خشونت رانی برتر و شجاعت لازم دارد می گردند.

خشونت رانی برتر و شجاعت آن هم، انواعی از تولید کردن ها و تولیدات را تولید می کند، که کامل کردنی برای تولید کردن برتر و افراد و فرد و کشورهای صاحب آن می باشد.

البته در اینجا منظور از کامل شدن و کامل کردن تولید کردن و افراد و فرد و کشورهای صاحب آن، کامل شدن و کامل بودن هم از لحاظ چگونگی برتر و قوی تر و در جهت و حرکت قوی تر و برتر قرار گرفتن در راه آن است، و هم از لحاظ مقدار و بیشتر شدن تولید کردن و صاحب آن بودن، که باز هم همین تولید کردن بیشتر، در پی و نتیجه خود تولید کردن قوی تر و برتر و جهت این را دارد و هم تولید کردن با چگونگی قوی تر و برتر، تولید کردن بیشتر را در نتیجه و پی خود دارد.

کامل تر کردن و کامل تر شدن تولید کردن و تولید کننده، کامل کردنی با ضدیت با کامل نشدن یا ضدیت با ناقص بودن است، اما به انواعی این ضدیت نیز به نوعی ضعیف با افراد و کشورهای ناقص در تولید کردن را نیز در خود دارد، تا آنگاه کامل تر شدن و رفع نقص در بین افراد و فرد و کشورهای قوی تولید کننده صورت گیرد و تقویت و زیادتر گردد.

به نوعی ضدیت و نابود کردن هر نوع نقص و ناقصی و افراد ناقص تر، نوعی کامل تر شدن و کم شدن نقص را در فرد و افراد و حکومت های کامل تر و کم نقص تر، مثلاً حکومت ها و افراد و فرد تولید کننده تر در خود و در پی دارد.

فرد و تولید کردنی، که تولید کردن ضدیت و نابود کردن افراد و کشورهای ضعیف که چندان تولید ندارند را تولید می کند، تولید کردنی در راه کامل شدن تولید کردن و فرد و افراد و کشورهای تولید کننده، یا به نوعی تولید کردن خودشان به صورت چگونگی اصلی و واقعی و برتر و خشن تر خودشان در و توسط خودشان است.

آن افراد و کشورهایی که چندان تولید کننده نیستند، در اصل توسط افراد و فرد تولید کننده و صاحب تولید، تولید می گردند، چون اغلب چگونگی زندگی و اعمال و رفتار و خیلی از موارد دیگر در افراد و کشورهایی که از تولید کردن عقب مانده اند، توسط فرد و افراد و کشورهای تولیدکننده و صاحب تولید و تولیدات آن ها، تعیین می گردد، آن گاه تولید کنندگان به کامل بودن در تولید کردن تولید کردن رسیده اند و هستند و در اصل اختیاردار و صاحب افراد و کشورهایایی که در تولید کردن عقب مانده اند می باشند.

اغلب تولید کنندگان، چیزهای تولید کرده ی خود را به استفاده و اختیار و تصاحب خود می گیرند و در می آورند، آن گاه طبق همین چگونگی فرد و افراد و کشورهای صاحب تولید و تولید کننده برای زندگی و قدرتمندی و خشونت رانی برتر خود، افراد و کشورهای در اصل تولید شده خودشان یا افراد و کشورهایی که چندان تولید کننده نیستند را به استفاده و اختیار و تصاحب خود می گیرند و در می آورند و حتی گاهی کشورها و افراد عقب مانده را به نابودی می کشند، چون در اصل صاحب و مالک و تعیین کننده و اختیاردار این ابزارها یعنی افراد ضعیف و ناتوان و تولید شده هستند و می باشند.

آن تولید علم و اختراعی که فرد یا افراد تولید می کنند، همان چیزی است که تولید کردن خود همان فرد و افراد توسط خودشان است و هم آن تولید علم و اختراع از و با تولید کردن خود آن فرد یا افراد توسط خودشان تولید می گردد.

تولید کردن علم و اختراع، کامل شدن فرد و افراد و این نوع تولید کردن ها را کامل می کند و چگونگی کامل تر شدن را نیز تعیین و تولید و کامل تر می کند.

چیزهایی در تولید کردن علم و اختراع و نظر وجود دارد که فرد تولید کننده آن را در جهت کامل شدن برای کامل تر کردن تولید کردن قرار می دهد، زیرا با کامل تر شدن فرد و افراد تولید کننده، آن گاه تولید کردن هم کامل تر می گردد و با کامل تر شدن تولید کردن، فرد و افراد تولید کننده هم کامل تر و برتر می گردند، آن گاه بعد از این موضوع، موضوع ضدیت و جهت و حرکت داشتن برای نابود کردن افراد و کشورهایی که چندان دارای تولید کردن علم و اختراع نیستند است، چون با نابود کردن این افراد و کشورهای ضعیف، نقص و ناقص تر، ناقص تر نمی گردد و نقص هم زیاد نمی گردد، زیرا اغلب ناقص، نقص و ضعف خود را نمی خواهد ببیند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در پی فریب دادن خود و دیگران، برای گفتن و رساندن این موضوع است که وی نقصی ندارد، یعنی این افراد ناقص نمی خواهند واقعیت خودشان و ضعف ها و نقص ها و حقارت ها و اضافه بودن های خودشان را ببیند و بفهمند، و این موضوعات در میان افراد ضعیف و ناقص، ترس از در پی نابود کردن و ضدیت با نقص و حقارت و ضعف خود پرورش می یابد و آن گاه بعد باز هم این ترس در میان این افراد موجود می گردد که در پی و جهت و حرکت برای تولید کردن علم و اختراع بروند و تولید کردن را در خود و توسط خودشان موجود و پرورش دهند، زیرا اینان حتی در همان مرحله اول که قبول و دیدن و پذیرفتن ضعف و حقارت و ناقصی خود در فرد خودشان، یعنی اینکه فرد، فرد این افراد ضعیف و ناقص، ضعف و نقص خود را در خودشان بپذیرد، و نه اینکه ضعف و حقارت و نقص را به دیگرانی که آن ها را مانند خود تصور می کنند و در نظر بگیرند، و بگویند افراد و کشور و جمع مردم این کشور دارای ضعف و عقب ماندگی و ناقص و حقارت هستند یا جمع و افراد تولید کردن ندارند، یعنی اینکه اغلب فرد، فرد افراد کشورها و جوامعی که چندان تولید کردن ندارند و ضعیف هستند، با فریب خود (مثلاً با در نظر گرفتن جمع و افراد دیگر) در پی این هستند که ضعف ها و حقارت ها و نقص های خود را قبول نکنند و از دیدن آن و واقعیت خودشان کور و جاهل باشند و همین طور هم هستند، اما اینها از طرفی است که اگر این افراد ناقص مورد ضدیت و نابود کردن و آسیب رسانی فرد و افراد قوی و کامل تر و صاحب تولید کردن قرار گیرند، آن گاه با مواجه شدن بیشتر با واقعیت خودشان، تا حدی در پی قبول کردن ضعیف، ناقص، حقیر و عقب مانده بودن خودشان در خوشان، در فرد فرد خودشان می روند، یعنی تا حدی خود فرد در خودش و نه با در نظر گرفتن دیگران و جمع ضعیف و حقیر، حقارت و ناقص و ضعف خود را بیشتر از قبل قبول می کند، آن گاه بعد از قبول کردن واقعیت خود، در جهت و حرکت و خواستن برای رفع این ناقص و ضعیف و حقیر بودن ها در خودش و توسط خودش می رود، چون تازه تا حدی واقعیت چگونگی خود را می فهمد، آن هم نه در ظاهر و چندگام جلوتر بلکه در عمق بیشتر و دورترها، چون تا حدی پذیرفتن و دانستن وجود داشتن واقعیت، عاملی و راهی برای در پی واقعیت بودن و رفتن است، چون بعد از دانستن یک واقعیت، در پی دانستن واقعیت های بعدی رفتن و دانستن آن صورت می گیرد، ولی اغلب اگر همان یک واقعیت هم دانسته و دیده نگردد، آن گاه دیگر چندان شکیل گیری و دانستن و فهمیدن واقعیت های دیگر و در جهت و حرکت بودن برای دریافت آن موجود نمی گردد، زیرا اغلب در این صورت فرد نمی داند و نمی فهمد که اصلاً واقعیتی وجود دارد که بخواهد دیده و دانسته و فهمیده گردد.

حتی در اصل اغلب افراد ضعیف و ناقص و حقیر نمی خواهند که بدانند و ببینند و بفهمند که اصلاً واقعیتی وجود دارد، زیرا اغلب واقعیت بر علیه و ضد اینان و گویای حقارت و نقص و ضعف و نابود شدن و اضافه بودن اینان است.

اما وقتی نابود کردن و ضدیت با افراد ضعیف و ناقص که چندان تولید کننده علم و اختراع نیستند و نمی خواهند ضعیفی خود را قبول کنند و همین طور این امکان که ضعیفی خودشان را قبول کنند

امکان نداشته باشد صورت گیرد، آنگاه چه این افراد ضعیف و عقب مانده بدانند یا ندانند، واقعیت اینان که همان نابود شدن و نقص و ضعفی است، بیشتر اجرا و عملی و موجود می گردد، آنگاه وقتی فرد و افراد و کشورهای قوی که تولید کننده هستند، نابود کردن و حقیرتر کردن افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده را انجام دهند، در اصل و واقعیت و حقیقت، امر حقیقت و واقعیت را موجودتر و اجرا و عملی کردند و به حقیقت و واقعیت و برتر و کامل تر بودن و تولید آن، کمک و خدمت کردند و عمل و کار درستی را در نزد واقعیت و چگونگی انسان و چگونگی واقعیت و تولید کردن، انجام دادند، و همین طور خودشان را هم واقعی تر و برتر و کامل تر کردند.

در اصل واقعیتی که موجود بود و است، همان واقعیتی است که موجود و اجرا و عملی می گردد.

چیزی که تولید کردن نابود کردن بیشتر ضعیفان و عقب ماندگان و در امور و اعمال مختلف توسط فرد و افراد و کشورهای صاحب تولید کردن علم و اختراع است، تولید کردن حذف کردن افرادی است که به و با خود، به سوی حذف نشدن نمی روند، چون در اصل لایق حذف نشدن نیز نیستند، و آن گاه به این چگونگی خود می رسند.

جریان کامل تر شدن فرد و افراد تولید کننده ی علم و اختراعات، در جریان کامل تر کردن سایر برتری ها و خشونت رانی های برتر و قوی تر، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، دارد چون جریانی بدون تولید کردن و تولید شدن جریان داشتن نیست، جریانی که از جریانات برتر و خشن تر برتر دیگر هم قدرت و برتری موجود کردن و موجود شدن خود را دریافت نمی کند و در خود جریان دارد، چون اغلب برتری ها و خشونت رانی های برتر و همین طور قدرتمندی های دیگر، به انواع مختلف، با تولید کردن هایی در ارتباط و خواستن و جهت هستند تا به بررسی و خشونت رانی برتر و قوی تر تولید کردن علم و اختراعات و کامل تر کردن و کامل تر بودن آن برسند و خود را برسانند و این جریان و مسیر را هم تولید و موجود کننده تر و کامل تر کنند.

البته همین طور تولید کردن علم و اختراعات و افراد آن هم، تولید کردن های خود را برای و در جهت و حرکت تولید کردن تولید کردن های دیگر، برای تولید کردن خودشان و برای خودشان و افراد تولید کننده خودشان، تولید و موجود می کنند و آن را با جهت و حرکت برتر و قوی تر و خشن تر برتر کردن و بودن، تقویت و افزونی و کامل تری می دهند، تا از کامل تر کردن و کامل تر بودن خود عقب نمانند و بر سرعت حرکت و جهت آن افزون تر کنند.

اغلب چیزها و جریانات کامل تر برتر و قوی تر، از جریانات و چیزها فرد و افراد کامل تر شده توسط خود و تولید کردن های خود در جهت تولید علم و اختراعات، که برتری برتری و قدرت قدرتمندی و خشونت رانی برتر خشونت رانی است، در جریان می افتند و جریان آن ها در کل به جریان می افتد و ادامه ی برتر و قوی تر و خشن تر برتر می یابد و تولید می کند.

جریان کامل تر در تولید کردن علم و اختراعات برتر و خشن تر که با فرد و افراد کامل تر خود است و آن افراد را کامل تر می کند و کامل تر می گردد، از کامل کردن و کامل بودن خود، حتی با وجود مخالفت ها و مقاومت ها و حیل گری های مظلوم نمای ظاهری افراد و کشورهای عقب مانده و ناتوان و ناقص، از تولید کردن عقب نشینی نمی کند و در اصل به انواع مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان، در جهت تسلیم شدن و سازش کاری، با این عقب ماندگان از قافله ی تولید کردن، موجودیت خودشان برای موجود بودن خودشان توسط خودشان و برای آینده دورتر و برتر و قوی تر خودشان، قرار نمی گیرند و فریب این افراد و کشورهای عقب مانده که در اصل و به انواع گوناگون وجود داشتن ناقص آن ها هم اضافه است را نمی خورند.

تولید کردن علم و اختراعات و فرد و افراد تولید کننده آن، خودش و خودشان، خودش و خودشان را چه بخواهند و چه نخواهند، هر روز بیشتر از گذشته به جریان تولید کردن کامل تر بودن برتر و

قوی تر و خشن تر برتر مستقیم یا غیرمستقیم قرار می دهند و به طور خودبخود و خودجوش در این جهت و جریان و حرکت قرار می گیرند و اینها را تولید می کنند، چون اغلب چگونگی فرد و تولید کردن در فرد، طوری است که از تولید کردن خود با برتر کردن خود هر روز بیشتر از قبل نمی کاهند و از آن به انواع گوناگون، چشم پوشی نمی کنند و نمی توانند چشم پوشی بکنند، چون برتری و قدرتمندی و خشونت رانی برتر مستقیم یا غیرمستقیم، به انواع گوناگون، باز هم برتری و قدرتمندی و خشونت رانی های برتر و کامل تر تولید می کند و جهت و حرکت و جریان کامل تر آن را هم تولید می کند و می آورد.

تولید کردن علم و اختراع و فرد و افراد کامل تر آن، در جهت و حرکت و جریان تولید کردن جهت و حرکت و جریان تولید کردن ها و کامل تر کردن های دیگر و برتر و قوی تر و خشن تر برتر، به طور مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان هست و تولیدش می کند، زیرا کامل تر و کامل تر کننده تر از آن است که کامل تر و کامل تر کننده تر نکند و نگردد.

کامل کردن تولید کردن در فرد و افراد تولید کننده ی علم و اختراعات نو، کامل کردنی است که کاملتر از کامل نکردن خشونت رانی از انواع برتر مستقیم یا غیرمستقیم و قدرتمند کردن و قدرتمند شدن برتر و قوی تر، به دلیل رعایت حال افراد و کشورهایی که چندان تولید کردن علم و اختراعات ندارند می باشد، زیرا در کل این چگونگی و خاصیت کامل تر کردن و کامل تر بودن و تولید آن است که با نابود کردن نقص خود، خود را در جهت و حرکت و جریان باز هم کامل تر کردن و کامل تر شدن قرار دهد، و این نقص هم به انواع گوناگون، نقص افراد و کشورهایی که چندان تولید علم و اختراعات ندارند می باشد، چون موجودی که کامل تر و تولید کننده کامل بودن و شدن خود و عالم و کامل بودن و تولید کردن برتر و قوی تر نیست، خودش هم قدرت و برتری و خشونت رانی برتر، از انواع گوناگون مستقیم یا غیرمستقیم، را ندارد که کامل کردن و کامل بودن و کامل شدن تولید علم و اختراعات را کامل کند، آنگاه با موجود بودن در نقص و حقارت و ضعف و ناتوانی، موجودی ضعیف و حقیر و ناقص و ناتوانی است، که ناتوانی و ضعف و حقارت و نقص عالم و انسان و موجودات و همین طور ضعف و نقص کامل کردن و کامل بودن و کامل شدن و تولید آن به حساب می آید و هست، پس آنگاه افراد و کشورهای عقب مانده، که چندان تولید کننده علم و اختراعات نیستند، نقص و ناقصی و ننگ کامل تر کردن و کامل تر بودن و کامل تر شدن و تولید کردن آن و همین طور نقص و ننگ فرد و افراد صاحب تولید کردن کامل تر هستند، آنگاه لازم است این نقص و حقارت و بیماری تا حدی مسری تولید نکردن علم و اختراعات و نقص و حقارت و بیماری تولید نکردن کامل تر بودن و کامل تر شدن و همین طور در کل نقص و حقارت تولید نکردن کامل تر بودن و شدن، به طور مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان، به نابودی و نبودن کشیده و کشانده گردند و جهت و خواست این موضوع در فرد و افراد و کشورهای صاحب تولید کردن، کامل تر تقویت و کامل تر افزون تر شود.

همان طور که اغلب بیماری، ضعف و ناتوانی می آورد و در خود دارد، افراد و کشورهایی که چندان تولید کردن علم و اختراعات را ندارند هم بیمار هستند، چون در اصل همان ضعیفان و ناتوانانی هستند و فرد بیمار هم کمتر یا بیشتر ضعف و ناتوانی و نقص را در خود دارد، اما باز هم نداشتن تولید کردن علم و اختراعات و تکنولوژی های نو هم در خود و در فرد و افرادی که تولید کننده آنها نیستند هم ضعف و ناتوانی در خود دارد و موجود می کند، بنابراین در اصل فرد و افراد و کشورهای عقب مانده ای که چندان تولید کردن علم و اختراعات و تکنولوژی های جدید و تازه و نو را ندارند، بیماری ای اغلب لاعلاج دارند.

-----

تولید علم و تکنولوژی که در افراد و کشورهای قدرتمند تولید می‌یابد، نشانی از توانایی و قدرت داشتن فرد و کشور برای تولید کردن و تولید یافتن است. اما این قدرت، قدرتی برای نابود کردن آن افراد و کشورهایی که چندان صاحب تولید و تولید کننده‌ی تولید نیستند و عقب مانده در تولید هستند، می‌باشد، تا بر قدرت تولید و تولید کردن و تولید شدن خود افزون تر و خشن تر برتر کند.

اما به انواع مختلف مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان، خشونت رانی برتر و قوی تر، تولیدی در تولید دارد و تولید در تولید می‌گردد، چون بر موجودیت تولید و تولید تولید و تولید شدن، افزون کند و آن را در اختیار قدرت خود و افراد و کشورهای قدرتمند در تولید و تولید کردن قرار دهد.

ولی اغلب آن چیزی که تولید می‌گردد از خود قدرتی موجود می‌کند که تعلق به افراد و کشورهای قوی تر صاحب آن قرار گیرد، و تولید قدرت تولید کرده و تولید شده خود را، در تولید شدن، در اختیار قوی تر و خشن تر برتر کردن صاحبان تولید کننده خود قرار می‌دهد، تا با تولید شدنی دیگر و بیشتر، قوی تر و خشن تر برتر گردد.

حتی خیلی موارد و مواقع تولید، تولیدات تولیدی خود را (توسط فرد) در جهت و حرکت برای ضدیت با افراد و کشورهایی که تولید کنندگی و تولید چندان ندارند و از قدرت گیری از تولید و تولید کردن ناتوان و ضعیفند قرار می‌دهد، تا بر تولید کردن و تولید شدن خشن تر برتر و قوی تر خود افزون کند و تقویت گردد.

فرد و کشوری که تولید می‌کند و تولید دارد، بدون تولید قدرتمندی و خشونت رانی برتر خود، در خود نمی‌ماند و تولید خشونت رانی برتر و قدرت را هم در خود و برای خود تولید می‌کند و افزون می‌کند.

اغلب به طور مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان، تولید شدن خشونت رانی برتر بر علیه ضعیفانی که توان و چگونگی تولید کردن را ندارند نیز همراه و با تولید کردن ها و تولید شدن های گوناگون تولید می‌گردد و افزونی تولید می‌گیرد.

اغلب چیزی که با خشونت رانی برتر و قدرتمندی می‌ماند، همان چیزی است، که با و توسط تولید کردن و تولید شدن می‌ماند و ادامه می‌یابد و افزونی می‌گیرد.

اغلب به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان، تولید و تولید کننده، تولید و تولید کننده ای بدون تولید و بدون داشتن خشونت رانی برتر و بیشتر و قوی تر بر علیه افراد و کشورهایی که تولید کردن و تولید را ندارند نیست، مثلاً اغلب فردی که علم یا تکنولوژی تولید می‌کند، خود را چه بداند و چه ظاهراً نداند، قوی تر و برتر از افرادی که تولیدی نمی‌کنند و تولیدی ندارند در نظر می‌گیرد و حتی گاهی به دلیل این برتری و قدرتمندی در خود، کمتر یا بیشتر و به نوع مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان جهتی برای ضدیت و خشونت رانی بر علیه افرادی که تولید نمی‌کنند و ندارند در خود دارد و احساس می‌کند و آن گاه هم خود را خواسته یا ناخواسته قوی تر و برتر در نظر می‌گیرد.

تولید توسط فرد و کشور تولید کننده و دارای تولید، تولید شدنی همراه با ضدیت با افراد و کشورهای عقب مانده که چندان تولید کردن ندارند است، تا با مقدار و چگونگی برتر و بیشتر از قبل، تولید کند و تولید گردد و به طور تقویت شده تر باقی بماند.

تولید شدن هایی موجود است که افراد و کشورهای که تولید کننده نیستند و عقب مانده اند را در اختیار خود می گیرد، تا بر تولید طبق چگونگی خود افزون تر کند و افزوده شود.

یعنی افرادی که از و در خود، چیزی برای موجودیت ندارند را از آن خود می کند- تولید و افراد و کشورهای تولید کننده ای که موجود و زنده اند، افرادی که تولید ندارند و در اصل زنده نیستند را در اختیار و موجودیت خود می گیرند.

مردگان و باقی مانده آن ها، در اختیار زندگان و تولید قرار می گیرد- تولید، تولید خود را هم در اختیار تولید خود و قوی تر و خشن برتر بودن آن می گیرد-

افراد و کشورهایایی به ظاهر و فرضاً وجود دارند، که در اصل به دلیل ندانستن تولید، چندان در علم و تکنولوژی، از جنس وجود داشتن نیستند و نمی توانند باشند.

-----

### **در اصل فرد و افرادی که تولید می کنند، خودشان را هم تولید می کنند**

فرد و افراد و کشورهایایی که تولید می کنند و تولید کننده علم و تکنولوژی هستند، در اصل به نوعی خودشان، خود را تولید می کنند و آن گاه با افزونی گرفتن در موجود شدن و موجود بودن، تولید قدرت گیری و برتری و خشونت رانی برتر می گیرند و دارا می گردند.

اینان با هر بار تولید خود، خود را بهتر می سازند و تولید می کنند و ضعف های خود را از بین می برند یا کمتر می کنند.

اینان به نوعی با هر بار تولید کردن و تولید شدن خود، خود را باز هم تولید شدنی تر و بیشتر تولید شدنی تر توسط خود و برتری ها و قدرت های خود می کنند.

اما باز هم در اینان هر تولید کردن و تولید کردن خودشان توسط خودشان، تولید کردنی دیگر و جدید از خودشان هم می باشد.

به نوعی تولید کردن علم و تکنولوژی، تولیدی در تولید کردن خود است.

تولیداتی در علم و تکنولوژی وجود دارند که از و یا به واسطه تولیدی دیگر تولید می گردند، چون چگونگی این تولیدات، به انوعی کمتر یا بیشتر و آشکار یا پنهان، در تولیدات واسطه ای، که بواسطه و از آن تولید شدند موجود بود و موجود است.

تولیداتی که تولید می کنند و تولید می گردند، در اصل بیشترین و اصلی ترین موجودیت در وجود داشتن را در خود دارند.

آن چیزها که تولید را تولید می کنند، تولیداتی هستند، که از تولیداتی که باز هم تولید شدند، تولید را تولید می کنند.

تولید با تولید کردن و تولید شدن خود همراه با گسترش خودش و کشورها و افراد صاحب تولید قدرتمند، برتری و قدرتمندی آن چه گسترش یافتنی در موجودیت برتر و قوی تر و گسترش یافتنی تر است را، گسترش و موجودیت برتر و بیشتر می دهد، تا آن گاه این تولید و صاحبان آن خود را بدیهی تر و واقعی تر و موجود بودنی تر گسترش و توسعه دهند و تولید کنند.

تولیدی که با تولید توسعه می یابد، خود توسعه یافتن را برای چیزهای توسعه یافتنی توسعه و موجودیت می دهد.

## تولید کننده، تولیدکننده ی افراد تابع و نابود کننده ی افراد عقب مانده ی ندارند ی تولید است

افراد و کشورها و تولیدی که تولید می کند، تولید شدنی توسط و در حقارت و ضعف نیستند، بلکه تولید کننده ی حقارت و ضعف و نابودی بیشتر در بین افراد و کشورهای ضعیف که چندان تولید کننده نیستند می باشند، تا این افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده را، به انواع گوناگون مستقیم یا غیرمستقیم، تابع و فرمانبر و پیرو خود، در عمل و زندگی کنند، تا آن گاه باز هم این افراد و کشورهای صاحب تولید، بر قدرتمندی و خشونت رانی برتر خود، با صاحب افراد و کشورهایایی که چندان تولید ندارند و عقب مانده اند بیفزایند، و کلاً خشونت رانی برتر و قدرتمندی را (البته در جهت و حرکت برای خود) بیشتر تولید کنند.

تابع کردن تولید برای موجود بودن برای خود و تنها خود، تابع کردن قدرتمندی و خشونت رانی برتر مستقیم یا غیرمستقیم، در جهت فرماندهی و اطاعت و پیروی از خود، به راه های مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان، در افراد و کشورهای صاحب تولید و تولید کننده موجود است و تولید می گردد.

تولید کردن تابعیت و اطاعت تولیدات و تولید از خود، توسط افراد و کشورهای قوی و صاحب تولید، تابع و پیرو و فرمانبر و اطاعت کننده کردن افراد و کشورهای ضعیف، که چندان تولید کننده نیستند یا مصرف کننده هستند را، در خود به صورت تولید کردن دارد و تولید می کند.

افراد و کشورهای برتر و قوی ای که تولید کننده علم و تکنولوژی هستند، برتری و قدرتمندی و خشونت رانی برتر را نیز در و توسط خود تولید می کنند و صاحب آن می گردند، چون صاحب تولید خود هستند و می گردند.

آنچه تولید کردن را موجود و تولید می کند، تولید کردن و تولید بودن و تولید شدن خواست و جهت و حرکت، برای نابود کردن دیگران است، تا آنگاه نابود کردن دیگران و ضعیفان را نیز با تولید خود تولید کند و تولید شود تا آنگاه با اضافه شدن تولید کردن و تولید شدن نابود کردن دیگران و ضعیفان، بر تولیدات و تولید کردن و تولید شدن، افزون گردد و تولیدات با تولیدی اوج گیرند.

در فرد و افراد تولید کردن، تولید کننده ی ضدیت با ضعیف و حقیر خواندن حقیران در تولید کردن و تولید کردن خود است، آنگاه ضدیت با تولید نکردن خود را، در خود و در پی دارد، آنگاه تولید کننده می خواهد، با برتر و قوی خواندن و برتر و قوی دانستن تولید کردن، به تولید کردن بیشتر بپردازد، آنگاه تولید نکردن و افراد و کشورهایایی که چندان تولید کننده نیستند و همین طور کتب عقب مانده هستند را ضعیف و حقیر و عقب مانده و اضافی و در خور نابود شدن به حساب می آورند و آنگاه افراد و کشورهای تولید کننده، مستقیم یا غیرمستقیم و آشکار یا پنهان و کمتر یا بیشتر، در این جهت و حرکت می روند و قرار می گیرند، و این خاصیت و چگونگی تولید کردن و اینان است.

برتری تولید کردن ها، و از طرفی فرد و افرادی که تولید می کنند، افراد عقب مانده و تولید ندارند را هم تولید می کنند

تولید کردن و تولید کنندگانی که تولید می کنند، به نوعی تولید کنندگان و تولید کردن، برای تولید شدن نیستند، پس باز هم به نوعی این موضوع، این طور و چگونگی را دارد، که تولید کنندگان علم و تکنولوژی، تولید کنندگان افراد و کشورهایی که چندان تولید کننده نیستند هستند، چون به نوعی با تابع و فرمانبر و پیرو خود کردن این افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده، به نوعی اینان را آن طور که خودشان (یعنی افراد و کشورهای تولید کننده) می خواهند، می سازند و چگونگی زندگی و اعمال و در اصل وجودشان را با تصاحب آنان به این طریق تولید می کنند و صاحب آنان (یعنی ضعیفان و عقب ماندگان) می گردند، آن گاه در اصل و به انواعی، افراد و کشورهایی که چندان تولید کردن علم و تکنولوژی را ندارند، تولید شده توسط افراد و کشورهایی هستند، که تولید کننده و صاحب تولید هستند.

تولید کننده به انواعی صاحب و اختیاردار و به کارگیرنده ی تولید شونده است.

تولید کنندگانی وجود دارند، که تولیدات خود را در تولید شدن ضد تولید شوندگان مصرف کننده، با تحقیر در خور اینان، به دلیل لایق وجود داشتن و زنده بودن نبودن، به علت اینکه صاحب خودشان و صاحب مسائل، موضوعات، اعمال، نظرات، زندگی، وسایل، علوم و تکنولوژی هایی که مصرف می کنند و استفاده کننده ی کورکورانه و فرمانبرانه و شکل گرفته، توسط تولیدات و تولید کنندگان هستند می باشد.

وجودی که خود را توسط خودش می سازد، وجودی است که تولید می کند، و وجود و فرد و افراد و کشورهایی که ساخته می گردند، همان هایی هستند که با نداشتن تولید کردن، به انواعی مستقیم یا غیرمستقیم توسط افراد و کشورهای تولید کننده تولید می گردند و طبق خواست و تصاحب و قدرت اینان موجود می گردند یا موجود نمی گردند، چون در اصل افراد و کشورهایی که تولید کننده نیستند، مال و تعلق به خودشان ندارند و مال و تعلق به تولید کنندگان و برتر از آنان دارند.

شاید گاهی استفاده از تولید تولید کننده، به گروهی برسد که در اصل این گروه با واسطه تولید شده ها، استفاده شونده ها و استفاده شده، توسط صاحب خود، یعنی تولید کنندگان قوی تر با خشونت برتر در تولید کردن هستند.

- به انواعی استفاده کننده، استفاده شده است که استفاده می کند و در استفاده فرمانبرانه و تابعانه و گاهی بدون آنکه بداند استفاده می گردد.

به انواعی مستقیم یا غیرمستقیم، مصرف کننده ی عقب مانده مصرف شونده توسط تولید کننده ی قوی تر با خشونت رانی برتر است.

در اصل مصرف کننده ی حقیر و عقب مانده ای که مصرف می گردد، وجودی هم ندارد، چون وجودی از و در و برای خود ندارد.

### **کامل شدن فرد و افراد با تولید کردن های گوناگون و ضدیت با عقب ماندگان و ناقصانی که تولید کننده نیستند**

قدرتمندان و صاحبان تولید که ضد و در پی نابودی ضعیفان و عقب ماندگان هستند، در اصل این ضدیت و جهت و حرکت برای نابود کردن آن ها را توسط و در خودشان تولید می کنند، و این تولید هم تولیدی در جهت و حرکت به سوی کامل کردن خود و موضوع تولید کردن است، چون تولیدی در تولید کردن و تولید شدن است و تولید کردن، تولید کردن های دیگر و در کل خود تولید کردن را کامل تر و قوی تر و برتر می کند.

کامل کردن تولید و تولیداتی که در یک مورد و موضوع موجود و کامل تر می گردد، تولیداتی هستند که سایر تولید کردن ها را هم تولید شده تر و کامل تر می کند و در این جهت و حرکت تولید می گردد و رخ می دهد، اما تولید کردن بیشتر ضدیت و نابود کردن افراد و کشورهای عقب مانده در تولید کردن هم جزو همین موضوعات و تولید کردن ها و تولید شدن ها است.

آن فرد و افراد و کشورهای که چیزهایی را از و در خود برای تولید کردن بر جای می گذارند (مثلاً تولید ضدیت با ضعیفان و عقب ماندگان) چیزهایی را در خود برای کامل تر کردن و کامل تر بودن خودشان و تولید کردن، هم دارا و صاحب می باشند و می گردند.

آن فرد و افرادی که چیزهایی در اصل وجود داشتند و موجود بودنی در تولید بر جای می گذارند، چیزهایی وجود داشتند و نه وجود نداشتند در خود برای کامل تر کردن و کامل تر شدن خود، با و در تولید کردن هم دارند.

آن افراد و فردی که در تولید کردن و کامل تر کردن آن وجود داشتن خود را مسلم کرده اند و مسلم شدند، آنگاه در ادامه ی کامل تر کردن و کامل تر شدن تولید کردن و خودشان، با ضدیت و در پی نابود کردن بودن افراد و کشورهایی که در اصل وجودی ندارند، چون چندان تولید کننده نیستند و ناقص هستند، هم با تولید تولید کردن های کامل تر، موجودتر در کامل تر شدن و کامل تر بودن می گردند.

آن افراد و کشورهایی که در تولید کردن عقب ماندند، چون چیزی چندان برای موجود کردن و تولید کردن و موجود شدن و موجود بودن خود، در و با تولید کردن ندارند، آنگاه در اصل بی وجودان و ناقصانی برای تولید و تولید کردن و تولید داشتن هستند، که آنگاه لازم است این حقیقت بی وجود و اضافی بودن آن ها، با ضدیت و خواست و جهت نابودگری افراد و فرد و کشورها تولید کننده قوی و باز هم بی وجود کردن بیشتر آن ها، با وسیله نابود کردنشان، اجرا و عملی تر گردد تا کلاً نوع و نژاد انسان، نوع و نژادی برتر و تولید کردنی تر و کامل تر باشد و شود.

در اصل و به انوعی وجود داشتن و تولید کردن نمی خواهد در نقص و بی وجودی و تولید نکردن در افرادی که چندان تولید کننده نیستند باشد و ادامه یابد، آنگاه به انوعی افراد و کشورهای صاحب تولید کردن را در خود دارد تا افراد و کشورهای ناقص و عقب مانده در تولید کردن راه برای کامل تر شدن خودش و تولید و همین طور کامل تر شدن فرد و افراد و کشورهای تولید کننده و صاحب تولید کردن موجود کند، یعنی در فرد و افراد وجود داشتن و تولید کردن وظیفه نابود کردن ناقصان و عقب ماندگان در تولید را به عهده قدرتمندان و تولید کنندگان و کامل کردن آن ها و خود گذاشته است و در جهت و حرکت برای آن است.

افراد و فرد و کشورهای هایی که در اصل به نوعی موجود و تولید کردن خود را با تولید کردن می سازند، آنگاه به انوعی هم خود را با کامل تر کردن با تولید کردن بیشتر، کامل تر می کنند و کامل کردن تولید کردن را هم توسط خودش و تولید کردن، تولید و تقویت می کنند.

در اصل و به انوعی این تولید کردن و کامل کردن خود است که در تولید کردن موجود و تولید می گردد و یا تولید کردن برتر و قوی تر و خشن تر برتر، کامل تر و تولیدتر می گردد.

پیوستن و کامل شدن خود، با پیوستن به و با تولید کردن تولید کردن خود، با تولید کردن های بیشتر و خشن تر برتر و قوی تر، صورت می گیرد و موجود می گردد.

تولیدات، تولیدات کامل کردن و کامل بودن خود و فرد و افراد تولید کننده را دارند که با و در تولید کردن، تولید می گردند، زیرا بدون تولید کردن، تولیداتی که دارا و موجود کننده ی کامل شدن و کامل بودن فرد و افراد تولید کننده را در خود دارند موجود و تولید نمی گردند.

افراد و فردی که تولید کردن خود را در خود دارد، تولید کردن را هم توسط خودش دارد و انجام می دهد، آنگاه با هر تولید کردن کامل تر و بیشتر، قوی تر و خشن تر، به انواع مستقیم یا غیرمستقیم می گردد، چون خودش و کامل تر کردن خودش را با تولید کردن، تولید می کند و تقویت می کند.

فرد و افرادی که تولید می کنند، خود و دیگران و چگونگی و زندگی آن ها را با قدرتمندی و کامل تر شدن و برتری خود تولید و موجود و تعیین می کنند تا تولید نگردند، یعنی توسط افراد و فرد دیگر خودش و چگونگی خودش و زندگی اعمالشان تولید نگردد.

- از طرفی تولید کردن و افراد و فرد تولیدکننده، تولید کننده ی هم خود و هم دیگران، طبق فرمان چگونگی خودش و تولید کردن هایش است، و به انوعی دیگران و چگونگی و زندگی آنها را نیز با تولید کردن خودش تولید می کنند و آنگاه تولید کردن و چگونگی تولید کردن خودش را با تولید کردن خود دیگران کامل تر و قوی تر و خشن تر از انواع برتر می کنند.

آن فرد و افرادی که با تولید کردن، و تولید کردن خود با تولید کردن، در اصل صاحب خود و کامل تر در صاحب بودن و تولید کردن خود می گردند، در اصل به انوعی مستقیم یا غیرمستقیم صاحب تولید کردن و تعیین وجود و چگونگی وجود داشتن دیگران و ضعیفان و عقب ماندگان که چندان تولید کردن ندارند هم با کامل کردن صاحب بودن و تولید کردن صاحب دیگران بودن و شدن و باز هم کامل تر بودن و کامل تر شدن، در و با تولید کردن می گردند، تا کامل بودن خود را هم همراه تولید کردن خود یا تولید کردن، تولید کنند.

افراد و فردهایی وجود دارند که تولید کردن ضدیت و نابود کردن افراد و کشورهای ضعیفی که چندان تولید کردن ندارند را در اصل و به انوعی توسط و در و با خودش و تولید کردن هایشان تولید می کنند، تا با این تولید کردن کامل بودن، از تولید کردن های برتر و قوی تر و خشن تر برتر خود غافل نگردند و از کنار این موارد با ضعیفی نگذرند، بلکه در اصل و به انوعی این موارد و

افراد ضعیفی را تولید کنند، تا آنگاه بعد این تولیدات را با تولید کردن ضدیت و نابود کردن آن ها، به خدمت کامل تر کردن و تولید کردن کامل تر کردن و کامل تر کردن خودشان و توسط خودشان بگیرند.

آن افراد و کشورهای ضعیف و عقب مانده از تولید کردن، که توسط افراد و فرد تولید کننده قوی و برتر به نابودی و ضدیت کشیده می گردد، در اصل و به انواعی در تولید بودن، با تولید بودن ضعف و حقارت و نابود شدن و نابود بودن تولید بود و یا توسط افراد و فرد تولید کننده قوی تر و خشن تر از انواع برتر، تولید شد و تولید شده بود.

اما در اصل و به انواعی مستقیم یا غیرمستقیم افراد و فرد تولید کننده، تولید بودن و تولید بودن خودش را هم به انواعی یا تولید کردن تولید بودن ها و تولید بودن، تولید می کند، تا تولید کردن و خودش را با این تولید کردن ها کامل تر کند و تولید کردن کامل تر بودن، را هم با تولید کردن خودش تولید کند و در اختیار و قدرت و برتری خود بگیرد.

آن فرد و افرادی که با صاحب تولید کردن بودن، وجود خودشان را تولید می کنند، همان افراد و تولید کردن هایی هستند که تولید شدن و کامل شدن را هم تولید می کنند.

فرد و افراد تولید کننده ای هستند که با تولید کردن ضدیت و نابود کردن افراد و کشورهای ضعیف که در تولید کردن عقب مانده هستند، با این تولید کردن کامل تر و بهتر و تقویت آن، تولید کردن را به برتری و قوی تری و برتری و قوی تری بیشتر و برتر و قوی تر می گیرند، چون با این تولید کردن برتر و همین طور تولید کردن و حقیرتر و ضعیف تر بودن افراد کشورهای عقب مانده و حقیرتر و ضعیف تر کردن افراد و کشورهایایی که در تولید کردن عقب مانده اند و نابود کردن آن ها، مانده، آن گاه تولید کردن و فرد و افراد صاحب تولید کردن را به برتری و قدرتمندی برتر و قوی تر و خشن برتر کامل تر رسانده، و کشیده و ساخته اند.

آن فرد و افرادی که تولید کننده هستند با تولید کردن خودشان، وجود خود را برای و در خود دارند زیرا در اصل به انواعی، تولید کننده خودشان و تولید کننده کامل بودنشان، یا تولید کردن هستند، اما افراد و کشورهایایی که در تولید کردن عقب مانده اند در اصل و به انواعی وجودی برای و در خودشان ندارند.

-----

## نتیجه

تولید کردن مثلاً در تولید کردن های علوم و تکنولوژی ها و دلایل، تولید کردن چگونگی غیراخلاقی خودی است که در تولیداتی که در اصل و به انواع گوناگون ولو غیرمستقیم و پنهان و کم و ناخودآگاهانه غیراخلاقی و غیراخلاق ساز، یا در اصل در خدمت تولیدات و امور و اعمال و زندگی و چگونگی غیراخلاقی و غیراخلاق ساز می باشند، هستند و تا بعد تولید، تولید شود و انسان هم خودش و چگونگی خودش را در خودش و تولیدات، تولید کند و ادامه دهد و ادامه یابد.

راه تولید کردن، راه تولید کردن و تولید شدن است. راه غیراخلاق و راه انجام اعمال غیراخلاقی هم راه تولید کردن است. تولید کردن یکی راه است که در راه زندگی فرد و افراد و فرد برتر و افراد برتر و در برتری انجام دادن اعمال و امور و تولیدات غیراخلاقی و یا در خدمت امور و اعمال و تولیدات غیراخلاقی برتر و درست است.

در اصل تولید کردن، تولید شده ی غیراخلاق و تولید شده ی راه اعمال و امور و مسائل و تولیدات غیراخلاقی است، همین طور از طرفی راه غیراخلاق و راه انجام دادن اعمال غیراخلاقی هم در راه تولید کردن و تولید شدن غیراخلاقی و غیراخلاق ساز برتر و قوی تر و درست است.

تولید کردن، تولید کردن ضدیت و نابود کردن افراد و کشورهای عقب مانده ای که چندان تولید کردن ندارند هم است.

همان طور که اغلب تولید کردن برتر و در پی نابود نشدن است، کشورها و افراد عقب مانده ای که چندان تولید کردن ندارند، به انواع گوناگون ولو غیرمستقیم و پنهان و ناخودآگاهانه، توسط تولید کردن و تولید کردن برتر و قوی تر و کشورها و افراد و فردی که تولید کردن و تولید کردن ها را دارد، به نابودی کشیده می شود، زیرا این موضوع قانون و اصل موجودات و انسان و همین طور

قانون و اصل تولید کردن و تولید کردن ضدیت و نابود کردن تولید نکردن، مثلاً فرد و افرادی که تولید کننده نیستند می باشد و ادامه می یابد. -

-----

-----